

حادثه تیراندازی در موزه یهودی کاپیتال، واشنگتن دی.سی.

در تاریخ 21 مه 2025، ساعت 21:08 به وقت شرقی، یک تیراندازی با برنامه‌ریزی دقیق در بیرون موزه یهودی کاپیتال در واشنگتن دی.سی.، واقع در خیابان سوم شمال غربی 575، رخ داد که منجر به کشته شدن دو نفر از کارکنان سفارت اسرائیل، سارا لین میلگریم و یارون لیشچینسکی، شد که هر دو به خاطر تلاش‌هایشان برای صلح‌سازی شناخته شده بودند. اگرچه هیچ مدرک قطعی این حادثه را به عنوان یک عملیات پرچم جعلی (false flag) تأیید نمی‌کند، زمان‌بندی مشکوک آن—چند ساعت پس از شلیک بی‌ملاحظه نیروهای اسرائیلی به یک هیئت دیپلماتیک معتبر در کرانه باختری—شباهت‌های قابل توجهی با اقدامات مخفیانه تاریخی اسرائیل، مانند ماجرای لاوون (1954) و بمب‌گذاری‌های بغداد (1950-1951)، دارد که توسط گروه‌هایی مانند موساد، ایرگون یا لهی برای دستکاری روایت‌ها و پیشبرد منافع استراتژیک طراحی شده بودند. دسترسی محدود به محل حادثه، پروفایل متناقض مظنون، هدف قرار دادن حامیان صلح، و بهره‌برداری سریع توسط حامیان اسرائیل نشان‌دهنده تلاش احتمالی برای منحرف کردن توجه از محکومیت بین‌المللی اسرائیل، خاموش کردن صداهای میانه‌رو، و دامن زدن به اسلام‌هراسی برای سرکوب فعالیت‌های طرفدار فلسطین تحت پوشش مبارزه با یهودستیزی است.

زمینه حادثه و زمان‌بندی مشکوک

این تیراندازی مراسم پذیرایی دیپلمات‌های جوان کمیته یهودیان آمریکا (AJC) با موضوع «تبدیل درد به هدف» را هدف قرار داد که بر راه‌حل‌های انسانی برای غزه و اسرائیل از طریق همکاری بین‌ادیانی تمرکز داشت. این رویداد پس از ساعات عمومی موزه (بسته شدن در ساعت 20:00) برگزار شد و مکان آن تنها به شرکت‌کنندگان ثبت‌نام‌شده اعلام شده بود، که این سؤال مهم را مطرح می‌کند که مظنون، الیاس رودریگز، چگونه به آن دسترسی پیدا کرد. این حمله چند ساعت پس از یک حادثه به شدت محکوم‌شده در جنین رخ داد، جایی که نیروهای دفاع اسرائیل (IDF) مستقیماً به سمت یک هیئت دیپلماتیک شلیک کردند و گلوله‌ها به دیوار نزدیک برخورد کردند—انحرافی از قوانین استاندارد درگیری که شلیک‌های هشداردهنده را به سمت هوا یا زمین الزامی می‌کند. این اقدام بی‌ملاحظه، که به لطف شانس از تلفات جانی جلوگیری شد، کشورهای اروپایی (فرانسه، ایتالیا، اسپانیا) و ترکیه را وادار به احضار سفیران اسرائیل کرد و انتقادات جهانی را در میان گزارش‌های بیش از 53,000 کشته در غزه شدت بخشید. در طول شب، نتایج جستجوی «تیراندازی دیپلمات‌ها» در گوگل و پوشش رسانه‌ای بین‌المللی از جنین به حمله دی.سی. تغییر یافت و تمرکز بر اقدامات اسرائیل را به طور مؤثری کاهش داد. این موضوع شباهت‌هایی با پرچم‌های جعلی تاریخی مانند ماجرای لاوون دارد، جایی که اسرائیل حملاتی را برای هدایت توجه بین‌المللی ترتیب داد.

پروفایل مظنون و مانیفست متناقض

الیاس رودریگز، یک شهروند 31 ساله اهل شیکاگو با مدرک لیسانس زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینوی و پیشینه‌ای به عنوان محقق تاریخ شفاهی، پروفایلی بعید برای یک تروریست تنها ارائه می‌دهد. مانیفست ادعایی او با این جمله آغاز می‌شود: «هالینتار کلمه‌ای است که به معنای چیزی شبیه رعد یا صاعقه است»، ادعایی عجیب با توجه به اینکه «هالینتار» یک قاره خیالی در یک بازی خانگی دانشجویی اندراگونز است، نه اصطلاحی برای رعد یا صاعقه. این ارجاع ممکن است اشتباه املائی

«هالیلینتار» باشد، کلمه‌ای اندونزیایی به معنای «رعد و برق» و نام یک شبه‌نظامی طرفدار اندونزی در درگیری تیمور شرقی (1999)، که از اشغال حمایت و با استقلال مخالفت می‌کرد—در تضاد مستقیم با موضع ضد امپریالیستی اعلام شده رودریگز و حمایت او از آزادی غزه. به عنوان یک محقق، رودریگز به احتمال زیاد از نقش تاریخی هالیلینتار آگاه بود، که ارجاع مانیفست را با پروفایل ایدئولوژیک او ناسازگار می‌کند و احتمال جعل یا دستکاری خارجی را مطرح می‌کند. تسلیم شدن رودریگز به امنیت موزه، در فاصله تنها 152.4 متری از دفتر میدانی اف‌بی‌آی واشنگتن، که به سرعت محل را محاصره کرد، نشان‌دهنده برنامه‌ریزی قبلی برای اطمینان از دستگیری عمومی است، احتمالاً برای تقویت یک روایت ساخته‌شده. اظهارات او هنگام دستگیری—«فلسطین را آزاد کنید، من این کار را برای غزه کردم، من غیرمسلح هستم»—که با پروتکل‌های انعطاف‌پذیر اف‌بی‌آی ممکن شد، در تضاد با اقدامات سختگیرانه‌تر اداره پلیس متروپولیتن است و نشان‌دهنده عملی صحنه‌سازی شده برای به حداکثر رساندن تأثیر رسانه‌ای است. ارتباط کوتاه او در سال 2017 با حزب سوسیالیسم و آزادی (PSL)، که او را رد کرد، و تحسین او از اعتراض خودسوزی در سال 2024 در مقابل سفارت اسرائیل، نشان‌دهنده رادیکال شدن است، اما دسترسی او به یک رویداد محدود و ناهنجاری‌های مانیفست سؤالاتی درباره کمک خارجی مطرح می‌کند.

قربانیان به عنوان اهداف استراتژیک

قربانیان، میلگریم و لیشچینسکی، حامیان برجسته صلح بودند. میلگریم، که از نوامبر 2023 در بخش دیپلماسی عمومی فعالیت می‌کرد، با Tech2Peace برای ترویج گفت‌وگوی اسرائیلی-فلسطینی همکاری داشت و روی پروژه کارشناسی ارشد در زمینه دوستی‌های صلح‌سازی کار می‌کرد، و پدرش اظهار داشت: «او همه کسانی را که در خاورمیانه زندگی می‌کردند دوست داشت.» لیشچینسکی، یک مسیحی با اصالت آلمانی-اسرائیلی که در IDF خدمت کرده و از توافق‌نامه‌های ابراهیم حمایت می‌کرد، بر امور خاورمیانه و شمال آفریقا تمرکز داشت و از همکاری منطقه‌ای حمایت می‌کرد. مرگ آنها در یک رویداد انسانی با انگیزه‌های ضداسرائیلی اعلام‌شده رودریگز تناقض دارد و نشان‌دهنده هدف‌گیری عمدی برای حذف صداهای میانه‌رو در داخل دولت اسرائیل است که می‌توانستند سیاست‌های سختگیرانه را به چالش بکشند. این با تاکتیک‌های تاریخی صهیونیستی، مانند بمب‌گذاری‌های بغداد، هم‌خوانی دارد که جوامع یهودی را برای خدمت به برنامه‌های گسترده‌تر وحشت‌زده کرد.

سؤالات بی‌پاسخ و بهره‌برداری از روایت

این حادثه ناهنجاری‌های مهمی را مطرح می‌کند که شبهات پرچم جعلی را تقویت می‌کند، هرچند هیچ مدرک مستقیمی آن را تأیید نمی‌کند. چگونه رودریگز، یک غیرنظامی بدون ارتباط ظاهری، مکان محدود رویداد را، در 5.6 کیلومتری سفارت اسرائیل، با وجود آموزش امنیتی کارکنان سفارت، دانست؟ بسته بودن موزه و افشای محدود به شرکت‌کنندگان ثبت‌نام‌شده نشان می‌دهد که او ممکن است اطلاعات داخلی داشته باشد، هرچند شبکه‌های فعال یا شناسایی نیز گزینه‌های احتمالی هستند. چرا یک رویداد انسانی که به نفع غزه است را هدف قرار داد، که هدف اعلام‌شده او را تضعیف می‌کند؟ تسلیم شدن او و نزدیکی به دفتر میدانی اف‌بی‌آی نشان‌دهنده عملی هماهنگ‌شده برای دیده شدن است. به طور خاص، حامیان اسرائیل، از جمله رئیس‌جمهور ترامپ و سیاستمداران مورد حمایت AIPAC مانند روبیو، به سرعت این تیراندازی را به عنوان «تروریسم ضد یهودی مسلمان» قاب‌بندی کردند، با وجود پیشینه غیرمسلمان رودریگز و هویت مسیحی لیشچینسکی. مقامات اسرائیلی، از جمله نتانیاو، آن را به حمله حماس در 7 اکتبر 2023 مرتبط کردند، که تاکتیک‌های استفاده‌شده در پرچم‌های جعلی گذشته برای بدنام کردن دشمنان و توجیه سرکوب را منعکس می‌کند. این روایت اسلام‌هراسی را دامن زد و

خواستار سانسور فعالیت‌های طرفدار فلسطین شد، که با نیاز ترامپ برای مقابله با نظر عمومی منفی آمریکا نسبت به اقدامات اسرائیل هم‌خوانی داشت.

هم‌خوانی با سابقه تاریخی

اگرچه هیچ مدرک قطعی تیراندازی دی.سی. را به سازماندهی اسرائیل مرتبط نمی‌کند، شباهت‌های آن با پرچم‌های جعلی تأییدشده قابل توجه است. ماجرای لاوون شاهد بمب‌گذاری اسرائیل بر اهداف غربی برای مقصر دانستن رادیکال‌های مصری بود، در حالی که بمب‌گذاری‌های بغداد مهاجرت یهودیان به اسرائیل را تحریک کرد. زمان‌بندی حمله دی.سی.، که توجه را از حادثه جنین منحرف کرد، حذف حامیان صلح، و بهره‌برداری برای سرکوب مخالفان، الگویی از فریب استراتژیک را منعکس می‌کند. خطرات اجرای چنین عملیاتی در آمریکا قابل توجه است، اما مزایا—بازسازی روایت قربانی اسرائیل، منحرف کردن انتقادات جهانی، و توانمندسازی متحدان سیاسی برای پیشبرد سیاست‌های ضد فلسطینی—با استفاده تاریخی اسرائیل از عملیات مخفی برای مدیریت بحران‌ها هم‌خوانی دارد.

تغییر رسانه‌ای و حادثه جنین

شدت حادثه جنین—شلیک مستقیم IDF به دیپلمات‌ها، برخورد گلوله‌ها به دیوار نزدیک—از پروتکل‌های شلیک هشدار استاندارد انحراف دارد و انگیزه‌ای برای انحراف را برجسته می‌کند. تغییر سریع رسانه‌های بین‌المللی (مانند CNN، نیویورک تایمز، الجزیره) و نتایج جستجوی گوگل از جنین به تیراندازی دی.سی. تمرکز بر اقدامات اسرائیل را کاهش داد، هرچند پاسخ‌های دیپلماتیک اروپایی و ترکیه‌ای اطمینان داد که جنین در چرخه خبری باقی ماند. این مدیریت روایی فرصت طلبانه، اگرچه پرچم جعلی را اثبات نمی‌کند، با الگوهای تاریخی که در آن بحران‌ها برای تغییر ادراک عمومی استفاده شده‌اند، هم‌خوانی دارد.

نتیجه‌گیری

تیراندازی موزه یهودی کاپیتال، با زمان‌بندی مشکوک، دسترسی محدود به رویداد، پروفایل متناقض مظنون، و بهره‌برداری سیاسی، با تاریخچه عملیات پرچم جعلی اسرائیل هم‌خوانی دارد، اما فاقد مدارک قطعی برای سازماندهی است. وقوع این حمله چند ساعت پس از شلیک بی‌ملاحظه IDF به دیپلمات‌ها در جنین، همراه با تغییر رسانه‌ها به دی.سی.، انحرافی مناسب از محکومیت جهانی را پیشنهاد می‌دهد. مانیفست رودریگز، با ارجاع نادرست به «هالینتار» و احتمالاً اشتباه با «هالیلینتار»، با موضع ضد امپریالیستی و پیشینه تحقیقاتی او تناقض دارد و سؤالاتی درباره جعل یا دستکاری مطرح می‌کند. دسترسی او به مکان رویداد و هدف قرار دادن حامیان صلح شبهات را بیشتر می‌کند، اما پیشینه رادیکال او و تسلیم شدنش با خشونت تک‌کارگزار هم‌خوانی دارد. بهره‌برداری از این حادثه برای دامن زدن به اسلام‌هراسی و سرکوب فعالیت‌های طرفدار فلسطین، تاکتیک‌های تاریخی را منعکس می‌کند و نیاز به بررسی فوری در مورد دخالت احتمالی موساد یا افراط‌گرایان صهیونیستی را توجیه می‌کند. تا زمانی که مدارک قطعی ظاهر نشود، این تیراندازی یک عمل تراژیک خشونت‌بار با انگیزه ایدئولوژیک باقی می‌ماند، که زمان‌بندی، ناهنجاری‌های مانیفست، و مسائل دسترسی آن خواستار تحقیقات بیشتر است.